

---

## زن، محور اساسی توسعه پایدار انسانی

---

دکتر سودابه امیری

کارشناس ارشد و مدیر طرح‌های عمرانی برنامه عمران سازمان ملل متحد



### ۱ - مقدمه

روشن کردن شرایط موجود جهانی و شناخت واقعی موقعیت طبقات و گروه‌های مختلف جوامع بشری می‌تواند در تدوین سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلان سودمند باشد.

جهان امروز در پنج دهه گذشته با تحولات و پیشرفتهای چشمگیری روبرو بوده است. ولی به علت مشکلات بسیاری که امروز گریبانگیر ملت‌هاست متأسفانه جامعه جهانی قادر به استفاده بهینه از این دستاوردها نبوده و عموماً در بررسی‌های بین‌المللی تأکید بر وقایع نامطلوب و نگران‌کننده می‌گردد. گرچه این تأکیدها ضروری است و شناخت عوامل بازدارنده می‌تواند در ارائه چارچوب‌های برنامه‌ریزی لازم تلقی شود، نباید فراموش کنیم که در این مدت بشر امروزی از کجا شروع کرده، چگونه در نیمه دوم قرن بیستم زیسته و در حال حاضر در کجا ایستاده است؟

## ۲ - سیری در تحولات ۵ دهه گذشته

با گذری کوتاه بر وقایع پنجاه ساله اخیر می توان:

اولاً، سیاستگذارهای ضروری را برای دهه آینده تدوین کرد.

ثانیاً، در تصمیمگیریهای آگاهانه و روشن و تنظیم برنامه های اجرایی فعالانه اقدام کرد.

ثالثاً، باتعیین کاستیهایی که جامعه بشری از آن رنج می برد در تهیه دستورکار الزامی جوامع در

چارچوب و ابعاد گوناگون اثر گذاشت.

به طور خلاصه باید گفته شود که بشر در پنجاه ساله اخیر توانسته است به هدفهای بزرگی که در

زیر به آن اشاره می شود دست یابد:

الف: اکثر ملتها توانسته اند از یوغ استعمار آزاد شوند. این آزادی به قیمت گزافی به دست آمده

است. زنان، مردان، جوانان و کهنسالانی با تلاش مستمر و مبارزه و سپری کردن بخشی و شاید تمامی

عمر خود و گذراندن سالهای طولانی در زندانها، مهاجرت اجباری و پناهندگی بالاخره توانسته اند آزادی

ملت و سرزمین خود را به دست آورند.

ب: فراموش نباید کرد که در طول این سالها جهان با دو جنگ خانمانسوز جهانی مواجه بوده و

نسلهای بعد از جنگ جهانی دوم همواره نگران یک خودکشی جهانی به وسیله سلاحهای اتمی بوده اند که

زندگی آنان را مورد تهدید قرار داده است و تلاشی گسترده و پیگیر جهت انهدام این سلاحها و برچیده شدن

آنها در سطح جهانی در جریان است.

ج: نرخ رشد و توسعه اجتماعی در این مدت به بالاترین سطح خود رسیده و کشورهای در حال

توسعه توانسته اند سه برابر کشورهای توسعه یافته از لحاظ اقتصادی و اجتماعی پیشرفت نسبی کنند.

پائین آوردن نرخ مرگ و میر کودکان بر اثر ارتقای مراقبتهای بهداشتی، اجرای واکسیناسیون و ریشه

کن کردن برخی از بیماریهای مهلک مانند آبله، افزایش طول عمر، بالا بردن سطح سواد که با مبارزه مستمر

و جهانی با بیسوادی همراه بوده است، ارائه و گسترش شبکه های بهداشتی همه و همه نمونه هایی از این

تحولات مثبت و پیشرفت‌های اجتماعی جوامع مختلف بشری است.

د: به موارد فوق شاخصهای دیگری چون شاخص توسعه انسانی را که در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ دفتر عمران سازمان ملل متحد منعکس شده است می‌توان اضافه کرد. این مطلب قابل تعمق و نشانه‌ای گویا و مشخص از بهبود نسبی شرایط زندگی جامعه بشری است. برای مثال ۷۰ درصد از مردم دنیا در جوامع مختلف در سال ۱۹۶۰ در سطحی پایینتر از استانداردهای مورد قبول زندگی می‌کرده‌اند. حال آنکه امروزه این نسبت به ۳۲ درصد کاهش یافته است. به عبارت دیگر سطح زندگی برای اکثریت مردم در خلال این مدت بهبود یافته است. یا اینکه در دهه ۶۰ فقط ۲۵ درصد افراد در جوامع مختلف در سطح مطلوبی از نظر شاخصهای توسعه زندگی می‌کرده‌اند در حالی که در سال ۱۹۹۲ بیش از ۶۰ درصد جوامع بشری از شرایط مطلوبتری از لحاظ رفاهی، اجتماعی برخوردار بوده‌اند.

ه: همچنین درآمد مردم در سطح جهان به طور نسبی بالا رفته و تولید ناخالص داخلی ۷ برابر شده است، یعنی از حدود ۳ تریلیون به بیست و دو تریلیون دلار افزایش یافته و درآمد سرانه تقریباً سه برابر شده است و این خود گواهی بر بهبود نسبی وضعیت جوامع بشری است.

و: رشد روزافزون تکنولوژی نیز بتهنایی در این تکامل اقتصادی نقش بسزایی داشته است. برای مثال در سال ۱۹۲۷ مسافرت بین اروپا و آمریکا حدود ۳۲ ساعت به طول می‌انجامید حال آنکه امروزه این مسافت در مدت یکدهم آن زمان طی می‌شود.

دیگر قاره‌ها و ملتها با فاصله‌های طولانی از هم قرار ندارند و وقایعی که در یک نقطه بظاهر دور اتفاق می‌افتد در مدت زمانی بس کوتاه و گاه به طور همزمان در تمامی جهان بازتاب می‌یابد. با پیشرفت تکنیک و وسایل ارتباط جمعی همانند تلفن، فاکسی مایل، کامپیوتر و مانند آن افراد کره خاکی می‌توانند در آن واحد از مشکلات یکدیگر خبردار شوند و در لحظه‌های خاطره‌انگیز همدیگر سهیم باشند. نمونه‌های بالا تصویری محدود از پیشرفتهای تکنولوژیک جامعه بشری است.

ز: در ۷ سال اخیر و پس از فروپاشی «دیوار آهنین» بودجه‌های سرسام آور و نجومی نظامی

خوشبختانه از رشد صعودی بازداشته شده و راه برای مبارزه جهانی علیه افزایش چنین بودجه‌هایی آماده شده است.

در چنین موقعیت و زمانی جهان حال و آینده «آبستن» مهندسی توسعه کارآمدی است که احتیاج مبرم به یادگیری از تجارب، اشتباهات کاستیها و شکستهای گذشته دارد تا از تکرار آنها و ایجاد وقایع اسفبار ۵ دهه گذشته به صورت جدی جلوگیری شود.

### ۳ - مروری بر مسائل و مشکلات جهانی

درکنار پیشرفتهای اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی، پیشرفتهایی نیز از قبیل آزادی در انتخابات را باید افزود. چنانچه در سال ۱۹۹۳ حدود ۴۵ کشور جهان از نعمت انتخابات آزاد برخوردار بوده‌اند. و برای معدودی از این کشورها انتخابات همگانی و آزاد برای اولین بار تجربه شده است. ولی این دید خوشبینانه چه از بُعد اقتصادی و چه از ابعاد اجتماعی و سیاسی ۵ دهه گذشته نباید سبب چشمپوشی از مشکلات تأسف انگیز جامعه بشری گردد.

آمار تکانهنده زیر خود دلیلی بر این هشدار است:

- بیش از یک پنجم جمعیت دنیا هر شب گرسنه می‌خوابند.
- $\frac{1}{4}$  جامعه بشری دسترسی به آب آشامیدنی سالم ندارند.
- از هر ۵ نفر، یک نفر و در مجموع بیش از یک میلیارد نفر در زیر خط فقر می‌زیند و تقریباً هر سال ۱۳ تا ۱۸ میلیون نفر به دلایل ناشی از فقر جان خود را از دست می‌دهند. اگر چنین روندی با انفجار جمعیت و بحرانهای اقتصادی کنونی در سطح جهان همراه گردد، شمار مبتلایان به فقر مطلق در طول یک نسل ۴ برابر خواهد گردید.
- بار بدهی سنگین ۱/۴ تریلیون دلاری کشورهای در حال توسعه و رشد

روزافزون فساد و خشونت‌های داخلی که بیشتر علیه زنان و کودکان به کار گرفته می‌شود بر عمق این فاجعه جهانی می‌افزاید.

- قاچاقچیان مواد مخدر با سود سالانه‌ای معادل ۵۰۰ میلیارد دلار، استفاده‌ای برابر با مجموع درآمد سالانه  $\frac{1}{3}$  از کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص می‌دهند.

بدین ترتیب علیرغم پایان «جنگ سرد» که نویدبخش پیشرفت روزافزون جوامع بشری بود «صلح سرد» جایگزین آن شده که هشدار بر عدم ثبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و انسانی در سطح کره زمین است. برخلاف همسازی اجتماعی و رفاه انسانی مطلوب اعم از مرد و زن که سالهاست به عنوان آرمان، مورد انتظار جامعه بشریت است. فقر و بیکاری روزافزون و احساس فزاینده عدم امنیت و اختلافات «جنوب» و «شمال» جایگزین گشته و کابوس بحران‌های وسیع در کلیه ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، راه حلی جدی و جدا از الگوهای پیش ساخته را طلب می‌کند. جامعه بشریت برای چند ساله آخر قرن بیستم و قرن بیست و یکم خواستار روشی نوین است که تأکید بر «توسعه انسانی پایدار» و مرکزیت دادن به اخلاقیات با توجه به انسانیت برای مردم و سرچشمه گرفته از خود آنهاست.

اطلاعات فوق بیانگر این واقعیت است که «وجدان جهانی» دیگر قادر به تحمل دنیای آشفته کنونی نیست و نمی‌تواند تجارب تلخ کودکانی را که قبل از اینکه مزه شیرین دوران کودکی را لمس کنند می‌بایست با پدیده‌های غم‌انگیزی چون خشونت، مهاجرت، پناهندگی مواجه شوند، نادیده بگیرد. اسراف و ریخت و پاش غذاها، استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و هزینه هنگفت سلاح‌های اتمی و شیمیایی که بودجه‌ای معادل با درآمد نیمی از جامعه بشری را به خود اختصاص می‌دهد و این واقعیت که یک میلیارد نفر از غنی‌ترین مردم این کره خاکی ۶۰ برابر درآمد یک میلیارد نفر از فقیرترین آن را صاحبند دورنمای جامعه بشری را مشخص نموده و فرآیند توسعه انسانی پایدار را مخدوش می‌سازد. مسائل دیگری از قبیل آلودگی محیط زیست، بیسوادی، نبود امکانات بهداشتی و درمانی، انفجار

جمعیت توأم با مهاجرت به شهرها و پدیده نوین حاشیه نشینی در کلان شهرها، فرسایش خاک، کم آبی و بی آبی و خشکسالیهای پیاپی همزمان با سوانح طبیعی همه و همه نسل جوان و نوجوان بشری را متزلزل کرده و مبارزه آنان را در مقابل با این خطر جدی تضعیف می‌کند.

#### ۴ - توسعه انسانی پایدار: نویدی برای آینده روشن

در چنین شرایطی است که توسعه انسانی به طور اعم و توسعه انسانی پایدار به مفهوم اخص آن می‌بایست مورد نظر قرار گیرد. دیگر صرف پیشرفت اقتصادی، رشد نرخ درآمد ملی، تولید فزاینده تکنولوژی، کاربرد ارتباطات و... نمی‌تواند جوابگوی بحرانهای جهانی باشد و توسعه انسانی پایدار می‌بایست در قلب این موضوع‌ها، قرار گیرد؛ توسعه‌ای که نه تنها پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و همه جانبه‌ای را برای بشریت امروز دربردارد بلکه به گونه‌ای پایدار برای نسلهای آینده نزدیک و دور تداوم یافته و پایه گذار برنامه‌ای مردمی در سالهای باقیمانده در این قرن و قرن آینده باشد.

سیاست‌گذاری مردمی برای چنین توسعه انسانی می‌باید توسط مردم و برای آنها به عنوان دستور کار جهانی مطرح شود. در چنین توسعه انسانی است که به نقش زنان به عنوان محور اساسی توسعه باید توجه نمود. برای تحقق توسعه انسانی پایدار الگوهای مختلفی بررسی شده است اما شکست‌تز «الگوپرداری» و تئوری‌های نئوکلاسیک اقتصادی که صرفاً رشد و شکوفائی اقتصادی را برای نیل به توسعه یافتگی را کافی می‌دانست، لزوم نگرشی نوین، فراگیر و پایدار به صورت جامع را برای توسعه انسانی طلب می‌نماید. در این نگرش عواملی چون امنیت اجتماعی، اخلاقیات، تأکید بر معنویت و انسانیت، تأمین آسایش، صلح، همسازی و همیاری، استفاده بهینه از منابع طبیعی - اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و توجه خاص به توانمندی و رشد استعدادهای آن دسته از قشرهای جامعه که در زمانها و مکانهایی مورد ستم قرار گرفته‌اند یعنی زنان حائز اهمیت است.

## ۵ - وضعیت زنان در جهان

با توجه به واقعیت‌های ملموس جهانی، متأسفانه زنان موقعیتی نامطلوب را در سطح بین‌المللی دارا می‌باشند.

بطور مثال: تفاوت در سطح سیاست‌گذاری، سرمایه‌گذاری، و دریافت حقوق برای کار مساوی، پدیده‌ای جهان شمول است.

در بررسی انتشار یافته در کتاب زنان جهان ۱۹۹۰ - ۱۹۷۰ که توسط سازمان ملل تدوین گردیده این واقعیت منعکس است که چه در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای توسعه یافته اعم از فقیر و غنی تمامی اطلاعات موجود نشانگر تبعیض بر علیه زنان است. این در زمانی است که دهه زن را مابین سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۷۶ پشت سر گذاشته‌ایم و ۱۰ سال از تدوین استراتژی‌های پیش تاز نایروبی که در اجلاس زنان در سال ۱۹۸۵ تدوین گشت می‌گذرد ولی هنوز زنان نتوانسته‌اند نقش حیاتی خود را در شرایطی مساوی ایفا نمایند و عمدتاً در بخشهای غیر رسمی، کشاورزی و زیربخش‌های با اصطلاح «غیرفعال» اقتصادی فعالیت می‌نمایند. آنها از کلیه امکانات لازم جهت بالابردن کمی و کیفی شرایط بهبود اوضاع خود محروم مانده و در برنامه‌ریزی حداکثر از اولویت‌های ثانوی برخوردار می‌گردند.

عموماً قوانین به نفع زنان نبوده و آنان از حق داشتن زمین، گرفتن وام‌های مورد نیاز، ثبت و عقد قرارداد و دخالت در تصمیم‌گیری محروم‌اند.<sup>(۱)</sup>

پست‌های کلیدی عموماً در سطح جهان به زنان تعلق ندارد و عدم حضور فعال زنان و تداوم اجرای قوانین مغرضانه علیه زنان تا به امروز ادامه یافته است. حتی در کشورهایی چون «اوگاندا» که زنان رسماً دارای حقوق مساویند، به گفته یکی از معدود رهبران زن در این کشور زنان شهروند درجه دوم و یا بهتر بگوئیم درجه سوم به حساب می‌آیند. و فرزندان ذکور آنان نیز بر آنان ارجحیت دارند.

با اینکه زنان در اکثر جوامع بیش از مردان کار می‌کنند، در محاسبات اقتصادی یا نقش آنان کم رنگ تلقی شده و یا اصلاً به حساب نمی‌آیند. و از اهمیت تولیدی و اقتصادی کمتری برخوردارند. لذا بار

کمتری از رشد جوامع را بخود تخصیص می‌دهند. اگر حقوق حقه زنان برای کار در خانه، در کشاورزی، نگاهداری و پرورش اعضا خانواده و یا مدیریت خانه ملحوظ گردد و آمار و ارقام جهان آن را منعکس نماید، سطح بازدهی جهانی تا ۲۵ الی ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت. این اجحاف تا چنان حدی رشد یافته که حتی تا چندی پیش تولید زنان در بخش غیر رسمی (Informal Sector) در آمار جهانی نیز منعکس نمی‌گردید. این عدم انعکاس واقعی از نقش زنان در تولید همراه با نبود آمار جهانی به تفکیک جنسیتی به معضل فقدان شناخت کارآیی و ارزش افزوده کار توسط زنان می‌انجامد و بعنوان عامل بازدارنده در رشد انسانی زنان تأثیر می‌گذارد.

دراکثر جوامع می‌توان به وضوح ملاحظه کرد که دولتمردان سرمایه‌گذاری بر روی زنان را یا اصولاً لازم ندانسته و یا به آن کم بهاء می‌دهند.

این تفاوت خصوصاً در بخش آموزش به وضوح دیده می‌شود. لازم به ذکر است که دختران ۸۱ میلیون نفر از جامعه ۱۳۰ میلیون نفری کودکانی هستند که هرگز به مدارس راه نمی‌یابند. عدم سرمایه‌گذاری و نابرابری در مناطق روستائی مشهودتر است. چنانچه بر مبنای گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۴ با مقایسه در میان کشورهایی که آمار آنها در دسترس بوده شاخص توسعه برای زنان ۶۰ درصد این رقم برای مردان بوده است. و با وجود رشد مثبت نسبی جوامع بشری، برای پانصد میلیون زنان روستائی در کشورهای درحال توسعه تغییر چشمگیری در سطح و نوع زندگی روزانه آنان در چندین دهه گذشته به وقوع نپیوسته است. دختران و زنان بیش از ۶۰ درصد از کل ۹۴۸ میلیون نفر بیسواد بزرگسال در سطح جهانند.

عدم سرمایه‌گذاری صحیح بر روی آموزش دختران مستقیماً تأثیر در پیش برد سیاست‌گذاریهای کلان دارد. در مالزی ثابت شده است که با سرمایه‌گذاری صحیح برای آموزش دختران و زنان چیزی معادل ۲۰ درصد به ازدیاد تولید ملی کمک شده است. همچنین رابطه مستقیم بین پائین آوردن نرخ رشد جمعیت و سرمایه‌گذاری بر روی آموزش دختران و زنان به اثبات رسیده است.



رشد بی‌رویه جمعیت یک مشکل جهانی چه در قرن حاضر و چه آینده جوامع بشری است. نداشتن امکانات آموزشی برای دختران که «مدیران خانه» در آینده خواهند بود به تنهایی می‌تواند مسبب اثرات زیانباری در اقتصاد خانه و خانواده باشد و درآمد خانه که روزانه از قدرت خرید کمتری برخوردار است به معضلات کلان اقتصادی شتابی بیشتر داده تا حدی که کل نظام اجتماعی را تحت شعاع قرار می‌دهد.

**عدم ایجاد مشاغل تولیدی و نداشتن امکانات مالی همراه با بیسوادی زنان پیامدی جز فقر را به تصویر نمی‌کشد.**

در جهان امروز اکثر دولتمردان از ارائه امکانات اقتصادی برای افزایش تولید توسط زنان چه در بخش کشاورزی و چه صنعتی چشم پوشی می‌نمایند. درحالی که تحقیقات بین‌المللی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری بر روی زنان و ارائه امکانات اشتغال آنان یکی از عمده‌ترین راه‌حلها در مقابله با فقر می‌باشد. ولی متأسفانه بعلت بینشهای نادرست و متعصبانه زنان همواره در تکاپوی تلاش برای حیات خود و بهبود وضع خانواده مجبور به گرفتن وامها با سود کلان شده که باعث کار دو برابر و بازدهی کمتر در مقایسه با هم‌تایان مذکر خود می‌باشند. به این مشکلات حقوق کمتر (مابین ۳۰ تا ۴۰ درصد) برای کار مساوی در سطح جهانی را باید اضافه نمود. متأسفانه زنان بعنوان آخرین افراد استخدام می‌شوند و در موقع اخراج جزو اولین گروهها قرار می‌گیرند. به گفته خانم دکتر نفیس صدیق مدیر صندوق جمعیت سازمان ملل زنان که با معضلات روزافزون دست بگریباند جهت نیل به امنیت اجتماعی و برای تأمین آینده خود تکیه بر فرزندان ذکور خود نموده حال آنکه همین فرزندان نیز بعلت رشد بی‌رویه جمعیت نه تنها قادر به دستگیری و کمک از آنها نبوده و نیستند بلکه بار بیشتری را نیز برای آنان در دوران کهولت به ارمغان خواهند آورد.

نرخ باروری بالا که مشخصه کشورهای جهان سوم است زنان را با خطرات مختلف بهداشتی مواجه نموده و آنان بعلت باروری زیاد نه تنها سلامت خود را از دست داده و می‌دهند بلکه احتمال به دنیا

آوردن فرزندان ناسالم و معلول را بالا می‌برند. و این امر خود مشکلی بر مشکلات عدیده آنان می‌افزاید. بطور مثال نرخ مرگ و میر مادران جوان بین سنین ۱۵ تا ۱۹ سالگی دو برابر مادرانی است که در اواسط سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی برای اولین بار مادر می‌شوند.

از جمله مشکلات جهانی زنان که معضلی بین‌المللی است مسأله خشونت است به این دلیل یکی از رفوس برنامه پیشنهادی اجرائی کنفرانس جهانی زن که قرار است در پکن از ۴ تا ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۵ برگزار گردد به این مهم توجه می‌کند. مقرر گردیده در این اجلاس ۱۰ مسأله اساسی بررسی شود و اقدامات پیشنهادی مربوطه را بشرح زیر مد نظر قرار دهد:

۱ - توانمند نمودن زنان جهت نیل به فقرزدایی

۲ - ارتقاء کیفیت و گسترش امکانات آموزشی در کلیه سطوح و بهبود مراقبتهای بهداشتی برای

## زنان

۳ - حذف خشونت بر علیه زنان و تسریع در تدوین و اجرای قوانین لازم برای مبارزه با این امر

۴ - ایجاد شرایط کافی برای حفاظت از زنان در مقابل با برخوردهای مسلحانه و دیگر درگیریها

۵ - ترویج خودکفائی اقتصادی زنان و رفع نابرابریهای مربوطه

۶ - تشویق به مشارکتهای سیاسی زنان در سطوح تصمیم‌گیری

۷ - رفع نابرابریهای جنسیتی و ملحوظ نمودن زنان در سطوح سیاستگذاری برنامه‌ریزی و

اجرائی چه در نهادهای ملی و چه بین‌المللی

۸ - اجرای مفاد «اعلامیه حقوق بشر» برای زنان بعنوان نیمی از جامعه جهانی

۹ - افزایش نقش رسانه‌های گروهی در ارتقاء کمی و کیفی برابریها

۱۰ - تأکید بر مسائل زیست محیطی<sup>(۲)</sup> که زنان بعنوان اهرم اجرائی آن شناخته شده‌اند جهت نیل

به فرآیند توسعه انسانی پایدار.

## ۶ - تغییرراه

مشکلات جهانیند و می‌بایستی در چارچوبی جهانی که فراخور زمینه‌هایی اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و فرهنگی در هر کشور است رفع گردند.

تغییر راه آسان نیست ولی الزامیست چون زمان کوتاه و راه جهت دستیابی به توسعه انسانی پایدار، طولانی می‌باشد. می‌بایست تلاشی همه جانبه در ارائه طریق و راه‌حلهای منتج از محور قراردادن انسانها چه مرد و چه زن، تنظیم گردد. تأکید بر توانمندی دختران و زنان بعنوان شرکاء همپا در فرآیند توسعه و واگذاری ابزارهای لازمه به آنان که امکانات آموزشی در کلیه سطوح به عنوان رکن اساسی فقرزدائی است، ارائه وامهای کم بهره، مشارکت زنان در تعاونی‌ها بخصوص در بخش روستائی، ارائه امکانات روزافزون و جامع جهت اشتغال زنان و شرکت مستمر آنان در تصمیم‌گیری‌های آگاهانه پیرامون رفع نابرابریها و تفاوت‌های جنسیتی در تمامی رشته‌ها و زیربخشها و بررسی و اصلاح و تدوین قوانین و مقررات خاص و اجرای آن جهت تحقق اهداف توسعه انسانی پایدار الزامی می‌باشد.

بر مبنای گزارش توسعه انسانی سازمان ملل:

### زنان بزرگترین گروه محروم جهانند

کوتاهی در فراهم نمودن و اجرای شرایط مناسب برای رشد پایدار این قشر عظیم و رفع نابرابریها و ظلم به این جامعه بشری نه تنها برای آنان بلکه برای کل جامعه بشری بسیار مهم خواهد بود. و می‌بایست تلاش همه جانبه امروز آغاز گردد که فردا خیلی دیر است.

## اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه نقش زنان در کشاورزی

### منابع

- ۱) گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد - انتشارات برنامه عمران ملل UNDP سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴
- ۲) زنان جهان ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ - انتشارات سازمان ملل ۱۹۹۱
- ۳) گزارش «آموزش زنان و دختران، تواناسازی زنان و مسائل جمعیتی» سازمان ملل، ۱۹۹۳
- ۴) نقش زنان در توسعه پایدار - مقاله تحقیقاتی توسط نگارنده ۱۹۹۳
- ۵) زنان، چالش تا سال ۲۰۰۰ - انتشارات سازمان ملل - ۱۹۹۰
- ۶) ملحوظ نمودن زنان در برنامه ریزی توسعه در آسیا و اقیانوسیه - اسکاپ ۱۹۹۲
- ۷) برنامه اقدام و پیش نویس بیانیه کنفرانس جهانی زن در پکن - سازمان ملل ۱۹۹۵
- ۸) برنامه اقدام گردهمایی جهانی توسعه اجتماعی - سازمان ملل ۱۹۹۵
- ۹) رئوس مسائل کنفرانس اسکان II که قرار است در سال ۱۹۹۶ توسط سازمان ملل در استانبول ترکیه برگزار گردد.
- ۱۰) بیانیه رفع هرگونه تبعیض علیه زنان - سازمان ملل ۱۹۹۳
- ۱۱) زن، محیط زیست و توسعه پایدار - INSTRAN - ۱۹۹۲
- ۱۲) بررسی روشهای اجرایی اعلامیه استراتژیهای پیشنهاد ناپرویی - ۱۹۹۴
- ۱۳) گزارش نهائی کنفرانس منطقه ای زن و محیط زیست: نقش زنان در فعالیتهای زنجیره غذایی و اثرات آن بر تغذیه - سازمان ملل - ۱۹۸۹
- ۱۴) اعلامیه جا کارتا جهت ارتقاء زنان در آسیا و اقیانوسیه - سازمان ملل ۱۹۹۴
- ۱۵) گزارشات تجارب تطبیقی اجرای توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه - برنامه عمران سازمان ملل ۹۵ - ۱۹۹۴

## پانوشت

۱) خوشبختانه زنان جامعه ما از قوانین حمایتی برخوردارند و بطور نسبی از حقوق و مزایای مختلفی استفاده می‌نمایند. نرخ رشد شاخص توسعه انسانی که در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹۴ منعکس شده است دلیلی براین اظهار نظر می‌باشد.

۲) تداوم و اجرای کامل «دستور کار ۲۱» که پس از گرد همائی سران در ریودوژانیرو تدوین گردید

